

تاریخچه مختصری از مانویت و هنر مانوی و تأثیر آن بر فرهنگ و هنر ایرانی

فرشته جعفری

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق

Email:fereshte.jafari7@gmail.com

چکیده

مانویت آیینی است که آن را تلفیقی از آیین‌های مسیحی، بودایی، زردشتی و گنوسی دانسته‌اند. هویت اصلی این آیین کشمکش میان دو نیروی خیر و شر می‌باشد و از آیین‌های دوبن نگر محسوب می‌شود. با بررسی متون و آثار هنری به‌جا مانده از این آیین که چه به صورت دیوارنگاره‌ها و چه به صورت منابع مکتوب در نواحی مختلف آسیا به جا مانده، می‌توان شباهت‌ها و نشانه‌هایی از آراء مانوی و هنر مانوی در آیین و فرهنگ و هنر ایرانی یافت. این پژوهش با شرح مختصری از تاریخچه و اصول و عقاید دین مانی، نگاهی خواهد داشت به تأثیری که مانویت بر هنر و فرهنگ ایرانی داشته است.

کلمات کلیدی: مانویت، مانی، هنر، فرهنگ ایرانی

۱. مقدمه

اصطلاح مانویت در واقع به آیینی اطلاق می‌شود که در سده‌های نخستین میلادی در سرزمین بابل و در حوزه امپراتوری ساسانی شکل گرفت. کیشی که مانی پایه‌گذار آن بود، مانی پسر فاتک بود که در سال ۲۱۶ میلادی در "مردینو" در نزدیکی بابل به دنیا آمد. او در سال ۲۳۰ به تبلیغ کیش خود پرداخت و بعد از تاجگذاری شاپور اول ساسانی به دربار او راه یافت و شاپور کیش او را پذیرفت. اما در زمان سلطنت بهرام پسر شاپور به تحریک "کرتیر" موبد بزرگ دربار به زندان افتاد. تا اینکه در سال ۲۷۷ میلادی درگذشت. مانی قسمت عمده تعالیم خود را از عقاید گنوسی ماندایی که دوران کودکی خود را در میان آنان سپری کرده بود دریافت کرد و در حقیقت بزرگترین طریقه گنوسی^۱ را بنیان نهاد. مانویت در بستر آیین گنوسی و تحت تأثیر اقوال و اعتقادات گنوسی، اما گاه با تفاوت‌هایی در خویش و حتی مخالفت با آن‌ها بالیده است. از سوی دیگر ارتباط آن با اندیشه‌ها و مکاتب دیگر شرقی، از جمله ادیان ایرانی و بودایی به این کیش رنگ و بویی تازه‌تر و متفاوت با سایر عقاید رایج در آن روزگار بخشیده است.

مانویت چندین قرن به عنوان یک دین، در زمره تأثیرگذارترین باورهای عرفانی و اشراقی با پیروان بسیار بود، و بعد از آن عقاید این آیین در فرهنگ‌های مذهبی و دینی اعصار بعد راه یافت. هویت کیش مانوی را می‌توان بر پایه کشمکش دائمی میان دو نیروی

^۱ گنوس واژه ای یونانی است از ریشه هندواروپایی به معنی معرفت که آن را با Know در زبان انگلیسی هم‌ریشه دانسته‌اند. (هالروید، ۱۳۸۷: ۹۷) کیش گنوسی گونه‌ای عرفان شرقی باقی مانده از قرن دوم پیش از میلاد مسیح است که اوایل قرون میلادی رنگ مسیحی به خود گرفته و با عقاید ثنوی درآمیخته است و تا قرن سوم میلادی ادامه یافته است. این آیین شامل فرقه‌های مختلفی چون مرقونیان، شمعونیان، صابین، مندائیان، مانویت و... می‌شده. گنوسی‌ان راه نجات انسان را گنوسیس یا همان معرفت می‌دانستند.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

ازلی - خیر و شر - دانست. خیر که هویت غیرجسمانی و نورانی دارد، ساکن در عالم نور، جاودانه بسر می‌برد؛ شر در سوی دیگر عالم بیکرانه با هویت ظلمانی خود، سرزمین تاریکی را در می‌نوردد. سرانجام برخورد این دو نیرو در زمانی ازلی، منجر به چیرگی نور بر ظلمت شر می‌گردد.

یکی از ویژگی‌های کیش مانوی نگاه بدبینانه آن به آفرینش و ماده است. انسان نیز که حاصل خلقت مادی است دچار دوگانگی است. بخشی از او - همان روح او - از عالم بالا و متعلق به روشنی و نور است و بخشی دیگر - جسم مادی و این‌جهانی او - آفریده اهریمنان. مانی سرشت روح را خیر و فضیلت، و سرشت اصلی جسم را شرارت می‌دانست. به عقیده مانویان بخش عمده نور اسپر ظلمت، در وجود انسان جمع است و این نور پیوسته به وسیله تناسل از جسمی به جسم دیگر انتقال می‌یابد، از این جهت تنها راه تقوا و فضیلت، ترک این دنیا است.

گزارش‌های بسیاری از مورخین و پژوهندگان کیش مانوی، چه مسلمان و چه مسیحی، از مجموعه کتاب‌ها و رسالاتی که به دست مانی و مانویان نوشته شده بود به ما رسیده؛ که تقریباً تمامی این پژوهش‌گران بر اینکه مانی به دست خود و به زبان مادری‌اش، سریانی، کتاب‌هایی نوشته بود، تاکید می‌کنند.

آنچه در بیشتر متون از آنان نام برده شده، عبارتند از:

- انجیل، در بیان "آنچه برای نجات روح باید انجام داد".

- گنجینه زندگان، که ابن ندیم آن را "سفرالاحیاء" و بیرونی آن را "کنز الاحیاء" ضبط کرده‌اند، و مانی در آن به توصیف آنچه از

پاکی نور و آنچه از فساد تاریکی در روح وجود دارد، می‌پردازد.

- فرقاطیا، که مأخوذ از زبان یونانی است به معنی رساله.

- رازها، که نام آن را "سفرالاسرار" ضبط کرده‌اند و در آن درباره پیامبران گذشته بحث شده است.

- کاوان یا غولان، که ابن ندیم آن را "سفرالجباره" ضبط کرده است و درباره ملائکی است که هبوط کرده‌اند و در کتاب

مقدس به آنها اشاره شده است.

- رسائل، ابن ندیم فهرستی از عناوین ۷۷ نامه‌ای که مانی به رهبران جوامع مانوی نوشته، ذکر کرده است.

- زبور، مجموعه دعا‌های مانوی.

- ارژنگ، که مشتمل بر تصاویری بوده در توضیح چگونگی جهان روشنی و تاریکی و ساخت جهان کنونی.

- شاپورگان، که آن را برای شاپور اول ساسانی نوشته بوده است.

- کفالایا، مجموعه روایاتی که به مانی نسبت داده شده و شاگردان وی گردآوری کرده‌اند. [1.13,7]

بخش ادبیات غیر معرفت‌شناختی مانوی را کتاب‌هایی چون، کفالایا (به زبان قبطی)، مواعظ (به زبان قبطی) و همچنین تعداد زیادی از مجموعه‌های سرودنامه (مانند مزامیر قبطی)، و کتاب تصاویر که کتابی است مصور، حاوی مهم‌ترین مباحث اصولی مکتب مانوی، تشکیل می‌دهند. در مجموعه متون مانوی اشاره به کتاب مصور منسوب به شخص مانی بسیار زیاد بوده، به طوری که حدوداً

۱۸ متن در نقاط مختلف حوزه اکتشافات متون مانوی به وجود و گاه به محتوای این اثر اشاراتی کرده‌اند. [26]

تمامی این کتب تنها به صورت بخش‌های کوتاه و تکه‌تکه باقی مانده‌اند. در قرون اخیر در کاوش‌هایی که در تورفان ترکستان صورت گرفته کتاب‌هایی به زبان سغدی و چینی و ترکی از مانی به دست آمده است.

باوجود کشف مجموعه دست‌نوشته‌های مانوی، همچنان دانش ما نسبت به زندگی و عقاید مانی تقریباً اندک است. همین موضوع

در مورد پیروان او در قرون بعد از مانی نیز صادق است. مجموعه مطالعات و پژوهش‌های مربوط به مانویت که در برگزیده حوزه‌های

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

مختلفی همچون شخصیت فردی، فرهنگ دینی و اجتماعی، تاریخچه گسترش اصول و باورها، اساطیر و ریشه‌های کیش مانی می‌شد، چه از نظر وسعت و دامنه تحقیقات و چه از نظر شمار پژوهش‌ها بسیار گسترده است.

در ایران، سید حسن تقی‌زاده در پژوهش‌های خود با تمرکز بر موضوع دین مانی و بررسی آثار پژوهندگان غربی، دو سخنرانی در سال ۱۳۳۵ شمسی با نام *مانی و دین او* ایراد کرد، که بعد از آن به همراه یک ضمیمه به چاپ رسید. ضمیمه این مجموعه بیش از ۱۹۰ متن عربی و فارسی را که به نقل مانویت پرداخته‌اند، بررسی و تحلیل می‌کند. در این مجموعه تقی‌زاده ذکر می‌کند که قدیمی‌ترین روایت مسلمانان از مانی و دین او مربوط به کتاب *توحید المفضل* نوشته مفضل بن عمر الجعفی، به تقریر امام جعفر صادق علیه‌السلام و تحریر او، و از شاگردان ایشان است. تقی‌زاده با مطالعه و بررسی بسیاری از تحقیقات و نوشته‌جات پژوهشگران غربی تا زمان خود، مجموعه‌ای گران‌بها از دست‌نوشته‌ها و یادداشت‌ها جمع‌آوری کرده بود که این مجموعه به کوشش ایرج افشار در سال ۱۳۸۳ در کتابی تحت عنوان *مانی‌شناسی* چاپ و نشر شد.

در میان مانی‌شناسان ایرانی، خانم بدرالزمان قریب در مجموعه‌ای از مقالات که به صورت پراکنده در طول سالیان منتشر کرد، زوایایی از فرهنگ، دین و مکتوبات مانوی را مورد بررسی قرار داد. متون سغدی مانوی در مقاله قریب با عنوان «بهشت نو بر چرم سفید»، مورد بررسی قرار گرفت. مقاله‌ای انتقادی از ایشان با عنوان «سخنی درباره منوهمید روشن (بهمن بزرگ)» در سال ۱۳۷۵ به نکاتی اشاره می‌کرد که مسیر بسیاری از پژوهش‌های بعدی در این زمینه را هموار می‌ساخت.

در سال ۱۳۷۶ ترجمه فارسی برخی از اشعار متون ایرانی تورفان با ترجمه مهرداد بهار و ابوالقاسم اسماعیل‌پور در مجموعه *اسطوره تا تاریخ* به اهتمام اسماعیل‌پور جمع‌آوری و چاپ شد. در سال ۱۳۷۵، اسماعیل‌پور مجموعه متون *زبور مانوی* را از متن کتاب آلبری به فارسی ترجمه کرد. وی همچنین در همین سال در کتاب *خود/اسطوره آفرینش در آیین مانی* به تبیین و توضیح مبانی اساطیر مانوی پرداخت. و علاوه بر آن کتاب *ادبیات مانوی* از مهرداد بهار و ابوالقاسم اسماعیل‌پور در سال ۱۳۹۳ منتشر شد. محسن ابوالقاسمی در ۱۳۷۴ بخشی از الفهرست را که به مانی و کیش او پرداخته بود در چند شماره چاپ کرد بعد از آن به صورت مجموعه‌ای گردآوری کرد و به همراه حاشیه‌نویسی کاملی در مورد مانی و مبانی دینی و فرهنگی اجتماعی مانویان تحت عنوان *مانی به روایت ابن ندیم* به چاپ رساند.

گسترش مانویت

در باب ریشه‌های مانویت تحقیقات بسیاری صورت گرفته است. بسیاری ریشه‌های کیش مانوی را در آیین دوبن نگر زرتشتی می‌دانند که در بستر مسیحی و گنوسی پرورش یافت و سپس ریشه‌های خود را با پذیرش باورهای بودایی و یونانی مستحکم‌تر کرد. (شروو، ۱۳۸۲: ۲۳) کیسپل عقاید مانی را دارای منشأی گنوسی و هلنی می‌داند و معتقد است که مانی نه ایرانی بود و نه عقاید خود را از عقاید کهن ایرانی دریافت داشته بود. [29] اما جس‌پ. آسموسن^۲ دین‌شناس دانمارکی درباره خاستگاه کیش مانوی می‌گوید: «گرچه عموم پژوهشگران متفق القول اند که کیش مانوی بر اساس کیش گنوسی بنا شده، با این حال بنا بر نظریات دیگر خاستگاه این کیش در ادیان یونانی، مسیحی یا ایرانی نهفته است.» [17] و یوناس معتقد است که عقاید زردشتی بر بخش جهابینی آیین مانوی و آموزه‌های بودایی بر بحث اخلاقیات و تعالیم مسیحی بر فرجام شناسی این آیین تاثیر نهاده است. [28]

مانی اصالت و درستی هیچ یک از ادیان پیش از خویش را رد نمی‌کرد و همه پیامبران پیش از خود را منادیان راستی می‌دانست. یکی از روش‌های تبلیغی مانویان این بود که در میان پیروان ادیان مختلف از نام‌های خدایان و اصطلاحات دینی آن ملت استفاده

² - Jes Peter Asmussen، (1928-2002)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

می‌کردند تا با دین جدید احساس بیگانگی نکنند و راحت‌تر آن را بپذیرند. مثلاً در میان زردشتیان از نام ایزدان آنان همچون زروان، مهر، اورمزد و... بهره می‌بردند، اما در پس آن، آیین خود را القا می‌کردند. بدین جهت بسیاری از عقاید و اساطیر کهن در قالب عقاید آنان محفوظ مانده است. از جمله عقاید مربوط به تناسخ ارواح بودایی، ثنویت نور و ظلمت زردشتی، عقیده فارقلیط و عیسی از مسیحیت. او عناصر مختلف آیین خود را از ادیان دیگر أخذ نموده و خود نوشتجات و امثال و حکم و زبور و مکاشفات ادیان سابقه را اجزایی دانسته که در دین و معرفتی که اعلام داشته جمع شده است. در کفالا یا آمده: «همچنان که قطره قطره جمع شوند و آب بسیار پدید آید، کتاب‌های پیشین کهن نیز به نوشته‌های من پیوست و دانشی عظیم پدید آمد، که چون آن تاکنون در هیچ یک از دوران پیشین کهن به پیدایی نیامد.» [17]

پس از مرگ مانی، مانویت به گسترش خویش ادامه داد و گستردگی جغرافیایی از شرق تا غرب یافت و در حوزه یونانی - رومی، کلیسای مانوی تا سوریه، فلسطین، عربستان، آسیای صغیر، بالکان، افریقای تحت استیلای روم، اسپانیا و ایتالیا گسترده شد. [27] اما در نتیجه وقفه‌های طولانی در جانشینی مانی اختلافاتی در میان مانویان بروز کرد و مانویت شرق و غرب از یکدیگر جدا شدند. بهره‌گیری از سنت رایج در میان مانویان، یعنی بومی‌سازی، باعث شد که دو نهضت مانویت شرق و غرب با وجود بن‌مایه ثابت، دچار اختلافاتی شود. یکی از این دو دست‌خوش عقاید بودایی در شرق بود و دیگری تحت تاثیر اعتقادات مسیحی - یهودی و همچنین اساطیر بابلی قرار گرفت.

دامنه مانویت از قرن سوم تا اروپا گسترش یافت، به گونه‌ای که از اواخر قرن سوم میلادی مقاومت‌های غربیان در برابر هجوم و نفوذ فکری مانویت بالا گرفت و در میان کلیسای مسیحی دشمنان سرسختی چون هیپولیتوس³، ترتولیانوس⁴ و آگوستین قدیس⁵ یافت. با این حال مانویان تا قرن پانزدهم در اروپا به حیات خود ادامه دادند، چنانکه "کاتارها" در شمال ایتالیا و جنوب فرانسه و "بوگومیل‌ها" در بلغارستان تحت تاثیر عقاید گنوسی مانوی بوده‌اند.

اما در شرق، نقش سغدیان در گسترش و نفوذ مانویت حتی تا ترکستان چین بسیار چشم‌گیر بود. متون یافت شده در سرزمین تورفان به زبان سغدی که حاوی بسیاری از باورهای رایج هرکدام از این آیین‌ها بود، شاهد این مدعاست. در قرن هفتم میلادی یکی از حکام ایغور کیش مانوی را پذیرفت و آن را دین رسمی سرزمین خود اعلام کرد. با سقوط حکومت ایغورها، مانویان نیز به تدریج مرکزیت و قدرت خود را از دست دادند، تا سرانجام در سده سیزدهم میلادی پیروان مانی توسط مغولان قتل عام شدند. در ایران، اگرچه مانی از سوی شاپور اول، شاهنشاه ایران اجازه تبلیغ آزادانه دین خود را گرفته بود، اما با روی کار آمدن بهرام اول، ناگهان این سیاست، به تحریک و کینه‌توزی موبدان، به دشمنی با مانویان تبدیل شد. و از این پس کشتن مانویان در ایران رایج شد. با این وجود تا سال‌ها همچنان مرکزیت کیش مانی و جایگاه رهبران مانوی در تیسفون و سلوکیه بود. در دوران اسلامی، عباسیان سیاست مقابله با سایر ادیان را در پیش گرفتند که در نتیجه آن در سده چهارم هجری موجی از مانویان به سمت شرق گسیل شدند و در خراسان، خوارزم و سند، جامعه‌ای نو بنیاد از مانویت را بنا نهادند.

عده‌ای از محققان مانویت را بیش از آنکه دین بنامند آن را نوعی عرفان می‌دانند. زرین کوب مانویت را نوعی عرفان مبتنی بر دگرگونی یا استحاله تعریف می‌کند. [17]

³ - Hippolytus

⁴ - Tertullianus

⁵ - Saint Augustinus

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

اما عده‌ای معتقداند که مانویت برخلاف سایر فرقه‌های گنوسی، که شکل آیین مستقل به خود نگرفتند، دینی مستقل به شمار می‌رود که تا روزگار حمله مغول دوام آورد؛ و بیشتر بر شکل‌گیری فرق جدیدی چون کیش مزدکی و فرقه‌هایی که تحت تاثیر آن در قرون اسلامی پدید آمد، تاثیر نهاد. [11] به عقیده این محققان اندیشه‌های گنوسی سوری- مصری شکل دین عام به خود نگرفتند و تنها مختص برگزیدگان و خواص بودند همچون عرفان اسلامی که تحت لوای دین و فرق اسلامی به حیات خویش ادامه داد و هرگز عنوان کیش و آیین مستقل نیافت. [11]

در میان نخستین سنت‌های فکری که تحت تاثیر مانویت بوده‌اند، می‌توان به مکتب اورفئی در آتن در قرن ششم میلادی اشاره کرد. این آیین، خیر و شر ممزوج در نهاد انسان را حاصل نبرد لاهوتی میان تیتان‌ها و دیونیسان‌ها معرفی می‌کند. فیثاغورثیان، و نوافلاطونیان نیز دیگر مکاتبی بودند که در خلال قرن‌های ششم تا هشتم میلادی عناصر مکاتب خود را با آموزه‌های مانوی درهم آمیختند.

تاثیر فرهنگی، دینی و اعتقادی مانویان در ایران و جهان اسلام، از اواخر قرن سوم میلادی آغاز شده است. واکنش‌های شدید مسلمانان بویژه اعراب مسلمان نسبت به اندیشه‌های مسلک مانوی که آنان را زنادقه می‌نامند نشان دهنده تاثیر شدید تفکرات مانوی در میان مسلمانان در قرون اولیه اسلامی است. ویدن گرن معتقد است که تفکر از طریق اعداد، علم نجوم، ادای آداب دینی و همه گونه‌های مختلف علم شبه روانشناسی از طریق مانویت به اسلام انتقال یافته است. [22] و اباحی‌گری را عده‌ای تاثیر پذیرفته از کیش مانوی می‌دانند. عده‌ای نیز معتقدند در طریقه ملامتیه، برخی از عقاید مانوی رخنه کرده است. [14]

در زبان فارسی مانی بیش از آنکه به عنوان پیامبر یاد شود با عنوان نقاش و نگارگر یاد می‌شود. در سخنان اهل ادب، مانی به خاطر هنرش ستوده می‌شود و گاهی به جهت بدعتش نکوهش می‌شود. شاعران به هنگام وصف زیبایی‌های طبیعت و زیبایی نگار زیبارویی یا توصیف توانمندی نقاشی، از مانی و ارژنگ مانی یاد می‌کنند.

گر ارتنگ خواهی به بستان نگه کن
که پر نقش چین شد میان و کنارش

ناصر خسرو

تنش چون صورت ارژنگ زیباست
میان چون خامه مانی مصور

منوچهری

گرچه از ارژنگ مانی بر نیاید چون تو نقش
هردم انگشتی نهد بر نقش مانی روی تو

سعدی

اگر باور نمی‌داری رو از صورتگر چین پرس
که مانی نسخه می‌خواهد زنوک کلک مشکینم

حافظ

بگو به نفس مصور مکن چنین صورت
ازین سپس متراش این چنین بت ای مانی

مولانا

تاثیر پذیری هنر در دوره اسلامی از هنر مانوی

مانی با اعتقاد بر این که آیین‌های روزگار او دچار انحطاط سریع شده‌اند به مکتوب کردن آراء و آثار خود تمایل و علاقه فراوانی پیدا کرد. بنابر روایات ایرانی مانی یک سال در غاری به سر برده و پس از آن که از آن خارج شد اثری درآورد که هرکس بدان می‌نگریست متحیر می‌شد. [19] او مدعی بود که ارژنگ تفسیری از کشف و شهود مسیحی است و آن را انجیل زنده نامید. محققان چنین می‌پندارند که این اثر که نسخه‌ای از آن تا اواخر قرن ۱۱ میلادی هم موجود بوده، تصویری از قدرت‌های نور در مراحل

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

گوناگون پیش از آفرینش، در جهان مادی و پس از انحلال بوده و سرگذشت گذر گزیدگان بر قلمرو نور و گذر گناهکاران بر دوزخ را به تصویر می کشیده است. [19]

مانویان برای نوشتن از ابریشم، کاغذ و پوست استفاده می کردند. و از مرکبهایی مرغوب در رنگهای گوناگون. در جلدآرایی کتب نیز نهایت هنرمندی خود را به کار می بردند و از خطوط زرین نیز استفاده می کردند. جاحظ معتزلی به این نکته اشاره کرده که مانویان برای هنر خود از کاغذ سفید مرغوب و مرکب سیاه عالی و خطاطان ماهر بهره می جستند بگونه‌ای که کاغذ کتب آنها از نظر زیبایی تالی نداشت. [24] کتاب‌های مانوی ابتدا به شکل طومار نوشته می شد و بعد از مدتی به شیوه کاغذهای طویل تاخوردی در آمد که فقط یک رویه کاغذ نوشته می شد؛ و سرانجام از کتاب‌هایی استفاده شد که به شیوه غربی جلد گرفته می شدند.

مانی به جز شاپورگان همه آثار خود را به زبان مادری خویش، که شاخه‌ای از زبان آرامی شرقی (سریانی) بوده، و به گونه‌ای از خط سریانی نوشته است. خط بکار رفته در آثار مانوی، از راست به چپ نوشته می شد و برای نگارش متون و مراسلات مانویان پارتی، پارسیگ، سغدی، فارسی نو، باختری، و اویغوری زبان استفاده می شد. ساختار خط بسیار شبیه خطوط پالمیری از شاخه‌های آرامی و یا استرانجیلی بود. گونه‌های شرقی این خط نشانه‌هایی از تأثیرات خط سغدی را در خود دارد. این خط تا حدود قرن دهم میلادی همچنان میان مانویان رایج بود. و ابن ندیم درباره آن آورده که از خطوط آرامی اقتباس شده و مخترع آن مانی است. [1]

هنر تذهیب و نگارگری کتاب‌ها آنچنان در میان مانویان با دقت و ظرافت انجام می شد که مانویان را در هنر نوشتار از سایرین جدا می کرد. مانی خود خطاطی برجسته و نقاشی چیره دست بود و به عقیده محققان خود مانی در کتابت و تذهیب کتب آیین خویش نقش داشته و پس از او نیز سایر آثار مذهبی به تقلید از آثار او کتابت و تذهیب شده است. مانویان در تزئین کتب خود نهایت دقت را به کار می بردند. سنت آگوستین در اعترافات خود به این نکته اشاره داشته: «نسخه‌های خطی شما، متعدد، بزرگ و نفیس است.» و «تمام نسخ خطی با شکوه کاغذ پوستی و متون زیبای نقش بسته بر روی پوست شما آتش بگیرد.» [24] مانی خود در کتاب کفالایا تاکید می کند:

همه حواریان، برادران من، که پیش از من آمدند
ننوشتند خرد خود را، چونان که من نبشتم
نه نگارده‌اند خرد خود را مزین به تصاویر
چونان که من نگارده‌ام خرد خود را [19]

مانویان در زیبانگاری خطوط نیز دقت و وسواس زیادی داشتند و در رواج سنت خوش‌نویسی نقش مهمی داشتند و از مرکبهایی به رنگهای متفاوت در نگارش بخش‌های مختلف استفاده می کردند. آنها هنر خوشنویسی و نگارگری را مکمل هم می دانستند و در کتاب نگاریهانشان سعی بر ایجاد ارتباط صوری و معنایی میان متن و تصویر داشتند. دست نوشته‌های مانوی نمونه ممتاز هنر کتاب نگاری است، بویژه آثار مکشوفه در آسیای میانه نشان می دهد که پوشش بیرونی کتاب‌ها از برگ زر و مزین به مینیاتور بوده است.

سنت نگارگری مانویان به بنیان‌گذار مانویت برمی گردد، علاوه بر این مانی شیوه‌ای در خوشنویسی ابداع کرد و شخصاً آثارش را تذهیب می کرد. براساس متنهای مانوی که به زبان فارسی میانه برجای مانده، نویسندگان "دبیر" خوانده می شدند و هنرمندان دیگری به نام "نسیگان نگار" (کتاب نگار) کار تذهیب و کتاب‌آرایی را بر عهده داشتند. مانی در سفرهای تبلیغی خود همواره کاتب و مترجم را در کنار یک کتاب‌نگار با خود می برد یا به همراه مبلغین مذهب خود می فرستاد.

نقاشی در بین مانویان از اهمیت و برجستگی برخوردار بود. نقاشی مانوی از نقاشی تانگ چین و به طرز چشم‌گیری از هنر ساسانی ایرانی تأثیر پذیرفته است. علاوه بر این در اثر آشنایی با سنت‌های بودایی بسیاری از عناصر هنری بودایی به هنر مانوی نیز راه یافته

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

است. در نگاره‌های به جا مانده از مانویان نشانه‌هایی از هنر اشکانی نیز یافته‌اند؛ و از تاثیر نفوذ هنر هلنی و بیزانس نیز برکنار نبوده است.

مانی برای تبلیغ آیین خود از پرده‌های نقاشی بهره می‌گرفت. و هدف او به تصویر کشیدن مفاهیم پیچیده اسطوره آفرینش و رستاخیز مانوی بود. در کتاب بیان الادیان، نوشته ابوالمعالی محمد بن عبیدالله، آمده: «مانی، مردی بود استاد اندر صناعت‌گری صورت‌ها... گویند بر تازی حریر سفید، خطی فروکشید، و چنانکه یک تار چون بیرون کشیدی، آن خط ناپدید گشت. و کتابی ساخت به تصاویر به انواع، که آنرا ارژنگ خوانند و به غزنی در خانه ایشان است» [3]

مانویان برای توصیف اساطیر آیین خود در زمینه آفرینش جهان مادی و سرنوشت بشر از زبانی نمادین و استعاری بهره می‌گرفتند. از جمله نمادهایی که به این منظور در متون مانوی بکار رفته: نماد مروارید، کالای بازرگان، کشتی و سکانداری باشد. و این نمادها در آثار هنری و نگارگری آنها هم به چشم می‌خورد. از جمله چلیپای نور که رمز پاره‌های نور است که در جهان پراکنده‌اند. درباره فن نگارگری مانوی سند مکتوبی در دست نیست، اما فرض محققان بر این است که بهترین و زیباترین نگاره‌های مانوی مربوط به زمان حکومت ایغوریان می‌باشد، که در قرن هشتم میلادی، مانویت دین رسمی آنان بود. هنر و ادبیات مانوی منحصر به دیرها نبود بلکه از جانب درباریان و مرفهین مانوی هم پشتیبانی می‌شد. هم هنر کتاب نگاری و هم نقاشی مینیاتور در دربار ایغوریان نشو و نما یافت و حمایت شد. از هنر نقاشی مانویان آنچه به جا مانده مینیاتورهایی است که از ناحیه تورفان به دست آمده است، و شامل دیوارنگاره و مینیاتور و دست نوشته‌ها می‌شود.

به عقیده محققان مینیاتور اسلامی و هنر تذهیب و کتاب‌نگاری در ایران پس از اسلام از تاثیر هنر مانوی برکنار نبوده است. هنر نگارگری ایلیخانان یادآور نقاشی‌های تورفان است. حتی این تاثیر تا دیوارنگاره‌های دره علیای سند هم مشاهده می‌شود. [19] برخی معتقدند که وجود اشتراک و مشابهت میان هنر مانوی و نگارگری ایرانی بدین جهت است که هر دوی اینها از منبع واحدی یعنی نگارگری ساسانی سرچشمه گرفته است. و گمان غالب بر این است که هنر و نقاشی مانوی پس از سلطه مغول بر ایران به شکل تغییر یافته‌ای ظاهر شد. و آن بدین جهت بود که اداره تعدادی از مناطق مفتوحه مغول به دست ایغوریان سپرده شد و ایغوریان که در زمان ایلیخانان مقامات عالی رتبه‌ای به دست آوردند سنن هنری خود را وارد فضای هنر ایرانی کردند. [24]

برخی پژوهشگران، نقاشی مانوی را پایه نگارگری ایرانی اسلامی می‌دانند. اسناد نقاشی تورفان شامل دیوارنگاره‌ها و آنچه که بر طومارها و کاغذها نقش بسته، یکی از منابع تاثیرپذیری هنر خاور دور و هنر ایرانی اسلامی دانسته شده. بین نگاره‌های مانوی و نگاره‌های جامع التواریخ رشیدالدین و همچنین نسخه خطی از آثار الباقیه بیرونی شباهت‌های نزدیکی وجود دارد. و به نظر می‌رسد کتاب نگاری و حاشیه پردازی کتب مانوی در هنر کتاب آرای ایرانی ادامه پیدا کرده و در کتاب منافع الحیوان نمود پیدا کرده است. شاخ و برگ‌هایی که در نگارگری مانوی به کار می‌رفت در نسخه‌ای از این کتاب که مربوط به سالهای ۶۹۵-۷۰۰ (۱۲۹۵-۱۳۰۰) می‌باشد، به چشم می‌خورد. [24]

بسیاری از ویژگی‌های هنری مانوی را در هنردوره سلجوقی می‌توان مشاهده کرد. شیوه پیکرنگاری مانوی با مختصر تغییراتی در نقاشی عهد سلجوقی هم دیده می‌شود. قاعده رایج در چهره نگاری این دوران چهره‌هایی تمام رخ و گرد با چشمان تنگ و مورب و دهان کوچک بوده که بی تاثیر از نگارگری مانوی نمی‌باشد. سنت تذهیب و کتاب آرای که محتملاً از هنر کتاب آرای مانوی تاثیر پذیرفته و تا مدتها در آسیای میانه باقی مانده بود، توسط سلجوقیان در سراسر قلمرو ایران گسترش یافت. علاوه بر این سفالینه نگاران نواحی مرکزی ایران در روزگار سلجوقی تحت تاثیر سنت‌های مانوی بوده‌اند. در سنت‌های کتاب نگاری اعراب نیز گاهی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

نشانه‌هایی از شیوه‌های مانوی قابل بازیابی است. در سرنگاره یک نسخه از کتاب الاغانی (قرن ۷) نشانه‌هایی از پیکرنگاری مانوی قابل مشاهده است که این شیوه نگارگری توسط سلجوقیان به تصویرگری اعراب راه یافته است.

تذهیب کاریه‌های کتاب ارژنگ مانی که شامل حاشیه‌های گل و بوته و خطوط و طرح‌های هندسی و انتزاعی به همراه پیکره‌های انسانی و پرندگان می‌باشد زمینه ساز هنر کتاب آرایه در دوره‌های بعد بویژه در دوران اسلامی است. تذهیب به عنوان مکمل هنر خوشنویسی پس از اسلام در کتب مذهبی و تاریخی و سایر کتب به کار گرفته شد. آثار مکشوفه در تورفان نشان‌دهنده شباهت میان نقوش بکار رفته در اوایل قرون اسلامی با آثار مانوی است. در این دوران هنرمندان اسلامی خطوط و نقوش را به زیبایی با هم ترکیب کردند و این سبک در دوران اسلامی متداول و معمول شد. ایرانی‌ها که متون دینی مانوی را که منقش و مزین به تصاویر بود، دیده بودند بعد از پذیرش آیین اسلام به تزئین قرآن روی آوردند، اما احتمالاً چون در اسلام، بازآفرینی شکل و صورت مکروه دانسته شده بود، به تذهیب و تزئین کتب با استفاده از اشکال گیاهان و نقوش هندسی روی آوردند. علاوه بر قرآن آثار دیگری نیز به هنر کتاب آرایه آراسته شده از جمله شاهنامه، کلیله و دمنه، خمسه نظامی، جامع التواریخ، ورقه و گلشاه، بوستان و گلستان سعدی، دیوان حافظ؛ گفته شده یکی از امیران سامانی به نقاشان چینی (احتمالاً مانوی) دستور داده که متن منظوم کلیله و دمنه را مصور کنند. [12]

در دوره ایلخانی سنت کتاب نگاری در زمینه‌های مختلف علمی و تاریخی رونق یافته و متون قدیمی مثل شاهنامه به سفارش و حمایت ایلخانان بازنویسی و مصور شده است. رشیدالدین فضل الله در دوره ایلخانی با تاسیس ربع رشیدی، عده زیادی از هنرمندان خوشنویس و نگارگر و مذهب و صحاف و جلدساز را به این مکان دعوت کرد و به استنساخ و تزئین بسیاری از آثار مهم ادبی، تاریخی و فلسفی دستور داد. هنر کتاب نگاری و خوشنویسی در روزگار تیموریان به اوج اعتلای خود رسید و در دو مکتب مهم تذهیب این دوران یعنی مکتب شیراز و مکتب هرات آثار مهمی از جمله معراج نامه، شاهنامه بایسنقری و بوستان سعدی با نقاشی کمال الدین بهزاد و چند نسخه از قرآن به کتابت درآمد.

تاثیر پذیری عرفان ایرانی از اندیشه های مانوی

عده‌ای از محققان بر این عقیده‌اند که صوفیه در بسیاری از آراء نظری و سنن عملی از مانویت تاثیر پذیرفته‌اند. که علت آن را می‌توان وجود شباهت و مشترکات فراوان میان آراء و عقاید و آداب عملی این دو دسته دانست.

مهرداد بهار عرفان عصر اسلامی را دنباله‌رو مکاتب عرفانی قبل از اسلام می‌داند که عناصر اسلامی هم بر آن تاثیر فراوانی نهاده است. با این حال معتقد است بیشتر عارفان عصر اسلامی به شیوه سوری- مصری آیین گنوسی گرایش پیدا کردند که با روح یکتاپرستی اسلامی سازگارتر بود، اما مانویت که با وجود عقاید ثنوی از عقیده به توحید دورتر بود کمتر عارفان مسلمان را تحت تاثیر خویش قرار داد. [11]

اما مانویت بیش از آنکه بر جنبه های نظری عرفان تاثیرگذار باشد بر جنبه عملی آن تاثیر نهاد؛ زندگی درصومعه‌ها که آن را "مانستان" می‌نامیدند، علاقه به سماع و موسیقی و توجه به مسافرت دائم از مواردی است که ارتباط آداب و سنن آنها را با صوفیه نشان می‌دهد.

خانقاه که محل اجتماع درویشان بوده و رباط و تکیه و زاویه نیز خوانده می‌شده قابل تطبیق است با مانستان‌ها که محل تجمع مانویان بوده است. مؤمنان مانوی برای انجام عبادات گروهی در عبادتگاه‌های خود جمع می‌شدند این صومعه‌ها مرکب از پنج تالار بوده که یکی برای کتب و تصاویر، دیگری برای روزه و خطابه‌های مذهبی، دیگری برای عبادت و اعتراف و یکی برای تعلیمات مذهبی و دیگری برای مؤمنان و برگزیدگان بیمار اختصاص داده می‌شده است. در این تالارها برگزیدگان دین مشترکاً زندگی می‌کرده و به

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

شعائر مذهبی خود عمل می‌کرده‌اند. زندگی روزمره آنان از طریق صدقات تأمین می‌شده و از غذاهای غیرحیوانی می‌خورده‌اند و اگر کسی صدقه برای آنان نمی‌آورده به گدایی می‌رفته‌اند.

مانویان موسیقی را منبعی الهی و آسمانی می‌دانستند و در مراسم عبادی آنها موسیقی و آوازهای مقدس سهم عمده ای داشت آنگونه که مراسم سماع در میان عده‌ای از صوفیان مسلمان اهمیت ویژه ای دارد و عارفان ما موسیقی را امری آسمانی می‌دانند :

پس حکیمان گفته اند این لحن ها
از دوار چرخ بگرفتیم ما
بانگ گردشهای چرخ است این که خلق
می‌سرایندش به طنبور و به حلق

(مثنوی، دفتر چهارم، بیت ۷۳۴-۷۳۵)

"بما" جشنی مانوی و در لغت به معنای تخت و اورنگ است. این مراسم در حقیقت جشن عروج مینویی مانی است. مانویان، مرگ و شهادت مانی را جشن می‌گرفتند؛ چه معتقد بودند که وی از زندان تن آزاد گردیده و عروج کرده است. در مراسم بما، تمثالی از مانی را در برابر حضار می‌نهادند و به سرودخوانی و نیایش می‌پرداختند. [8] این مراسم یادآور مراسم عرس است که اهل تصوف در بزرگداشت روح عارفی که ترک دنیا کرده بر پا می‌داشتند.

علاوه بر این اندیشه‌هایی که در میان مانویان و عارفان مسلمان مشترک به نظر می‌رسد، به گونه‌ای که ظن تاثیرپذیری عارفان ایرانی از اندیشه‌های مانوی را تقویت می‌کند؛ تصور بدبینانه از دنیا، مبنی بر خوار و حقیر شمردن آن و وحشت از وجود ماده، آرزوی دنیایی پس از این دنیای مادی و شوق وافر برای فرار از این دنیا می‌باشد. مانویان این جهان را پلید می‌شمردند و آرزومند دنیایی بهشتی و نورانی بودند که در این جهان خاکی نمی‌توان بدان رسید و جایگاه حقیقی انسان آنجاست. تقی زاده می‌گوید: «روایات و احادیث محرض بر ترک دنیا و نفرت از آن و ذم دنیا به اعلی درجه و جیفه نامیدن آن و مخصوصاً سنت بعضی از صوفیه شباهت زیادی به تعالیم مانوی دارد، مخصوصاً جیفه بودن بدن انسانی که در نوشتجات مانوی ذکر می‌شود.» [13]

عده‌ای از محققان میل به زهد و فقر را در میان متصوفه تقلیدی از زهد مانوی می‌دانند. زهد و ریاضت اساس عملی همه مسالک عرفانی است که به دنبال راهی برای شناخت خداوند و راه عقل و علوم دنیوی‌اند. مانی به پیروانش می‌آموخت که راه گریز از ظلمت به روشنایی، حفظ روح از تمام آلودگی‌های جسمانی و اعراض از دنیاست. مانویان می‌گفتند کسی که می‌خواهد به این کیش درآید باید آزمایشی از نفس خود کند، و اگر دید به فرونشاندن شهوات و حرص توانایی دارد، و می‌تواند از خوردن گوشت و شراب و از نکاح با زن و آزار و... دست بردارد؛ به این کیش درآید، و اگر چنین توانایی را ندارد از گروه به آن خود داری نماید. [1]

نتیجه گیری

مانویت با حیات طولانی و گستره نفوذ خود در شرق و غرب، علاوه بر این که از عناصر دینی، فرهنگی و هنری سایر اقوام و آیین‌ها بهره گرفت، خود نیز بر فرهنگ و هنر ادوار بعد تاثیر نهاد. با بررسی آثار بازمانده از آیین مانوی نشانه‌های این تاثیرپذیری و تاثیرگذاری را می‌توان دریافت. مانویان در طول حیات خود گرایش مثبتی نسبت به هنر داشتند و در نوشتجات خود از هنر خطاطی و

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

تذهیب و نگارگری بهره می‌بردند به گونه‌ای که می‌توان هنر را جزء جدایی‌ناپذیر این آیین دانست. کتاب دینی مانی که به نام *ارژنگ* مشهور است شامل آموزه‌های آیین مانی بود که به همراه تصاویری برای پیروان این آیین عرضه شده بود، علاوه بر این مانی شیوه جدیدی از خوشنویسی را برای نوشتن به کار گرفت و به نگارگری و تذهیب کتب مذهبی خویش می‌پرداخت. نشانه‌های هنر مانوی را حتی تا دوران اسلامی در ایران می‌توان مشاهده کرد. بسیاری از ویژگی‌های هنری مانوی را در هنر دوره سلجوقی می‌توان مشاهده کرد. از چهره‌نگاری نقاشی‌های این دوره گرفته تا تذهیب کتاب و نگارگری‌های سفالینه‌ها نشانه‌های هنر مانوی را می‌توان یافت. در دوره مغول نیز این تأثیرات ادامه یافت و در دوره ایلخانیان به اوج خود رسید و در این دوره کتاب‌نگاری در زمینه‌های مختلف علمی، ادبی و تاریخی رونق یافت. بدین ترتیب می‌توان هنر تذهیب و کتاب‌آرایی و مینیاتور را در ایران پس از اسلام متأثر از هنر مانوی دانست که عمده این تأثیرات از زمان حکومت ایلخانان به وجود آمده که ایغوریان را به حکومت بسیاری از ممالک مفتوحه خود گماردند و ایغوریان که بر مسلک مانویت بودند، بسیاری از سنن هنری خود را به هنر ایرانی منتقل کردند. علاوه بر این برخی از عقاید و مناسک مانویت را که برخی محققان آن را مسلکی عرفانی می‌دانند، می‌توان در میان صوفیان ایرانی یافت به گونه‌ای که می‌توان هنر را جزء جدایی‌ناپذیر این آیین دانست. کتاب دینی مانی که به نام *ارژنگ* مشهور است شامل آموزه‌های آیین مانی بود که به همراه تصاویری برای پیروان این آیین عرضه شده بود، علاوه بر این مانی شیوه جدیدی از خوشنویسی را برای نوشتن به کار گرفت و به نگارگری و تذهیب کتب مذهبی خویش می‌پرداخت. نشانه‌های هنر مانوی را حتی تا دوران اسلامی در ایران می‌توان مشاهده کرد. بسیاری از ویژگی‌های هنری مانوی را در هنر دوره سلجوقی می‌توان مشاهده کرد. از چهره‌نگاری نقاشی‌های این دوره گرفته تا تذهیب کتاب و نگارگری‌های سفالینه‌ها نشانه‌های هنر مانوی را می‌توان یافت. در دوره مغول نیز این تأثیرات ادامه یافت و در دوره ایلخانیان به اوج خود رسید و در این دوره کتاب‌نگاری در زمینه‌های مختلف علمی، ادبی و تاریخی رونق یافت. بدین ترتیب می‌توان هنر تذهیب و کتاب‌آرایی و مینیاتور را در ایران پس از اسلام متأثر از هنر مانوی دانست که عمده این تأثیرات از زمان حکومت ایلخانان به وجود آمده که ایغوریان را به حکومت بسیاری از ممالک مفتوحه خود گماردند و ایغوریان که بر مسلک مانویت بودند، بسیاری از سنن هنری خود را به هنر ایرانی منتقل کردند. علاوه بر این برخی از عقاید و مناسک مانویت را که برخی محققان آن را مسلکی عرفانی می‌دانند، می‌توان در میان صوفیان ایرانی یافت به گونه‌ای که گمان محققان بر تأثیرپذیری از این اندیشه‌ها است.

مراجع

۱. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، *الفهرست*، ترجمه محمد رضا تجدد، تهران: اساطیر، ۱۳۸۱.
۲. ابوالقاسمی، محسن، *مانی به روایت ابن ندیم*، تهران: طهوری، ۱۳۸۷.
۳. ابوالعالی، محمد بن نعمت علوی، *بیان‌الادیان*، تصحیح محمد تقی دانش‌پژوه، تهران: بنیاد موقوفات دکتر افشار، ۱۳۷۶.
۴. اسماعیل‌پور، ابوالقاسم، «بررسی تطبیقی دیباچهٔ مثنوی معنوی و اشعار گنوسی»، *مجلهٔ ایران‌شناخت*، شمارهٔ ۱۱، ۱۳۷۷، صص ۴۱ تا ۱۴.
۵. *اسطورهٔ آفرینش در آیین مانی (ویراست دوم با گفتاری در عرفان مانوی)*، تهران: کاروان، ۱۳۸۱.
۶. *زیر آسمان‌های نور*، تهران: قطره، ۱۳۹۰.
۷. *سرودهای روشنائی: جستاری در شعر ایران باستان و میانه و سرودهای مانوی*، تهران: اسطوره، ۱۳۸۷.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

۸. الیاده، میرچا، *آیین گنوسی و مانوی*، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران: فکر روز، ۱۳۷۳.
۹. آلبری، آ، *زبور مانوی*، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران: فکر روز، ۱۳۷۵.
۱۰. بهار، مهرداد، *ادیان آسیایی*، تهران: کارنامه، ۱۳۷۵.
۱۱. بهار، مهرداد، ابوالقاسم اسماعیل پور، *ادبیات مانوی*، تهران: کارنامه، ۱۳۹۳.
۱۲. پاکباز، رویین، *نقاشی ایران از دیرباز تا امروز*، چاپ پنجم، تهران: انتشارات زرین و سیمین، ۱۳۸۵.
۱۳. تقی زاده، حسن، *مانی شناسی؛ پژوهش ها و ترجمه ها*، به کوشش ایرج افشار، تهران: توس، ۱۳۸۳.
۱۴. جلالی نائینی، محمدرضا، *ثنویان در عهد باستان*، تهران: طهوری، ۱۳۸۴.
۱۵. دکره، فرانسوا، *مانی و سنت مانوی*، ترجمه عباس باقری، تهران: فرزانه، ۱۳۸۳.
۱۶. زرین کوب، عبدالحسین، *تصوف ایرانی در منظر تاریخی آن*، ترجمه مجدالدین کیوانی، چاپ سوم، تهران: سخن، ۱۳۹۰.
۱۷. شروو، پرادز اکتور، *عناصر ایرانی در مانویت*، ترجمه محمد شکر فومشی، تهران: طهوری، ۱۳۸۲.
۱۸. غنی، قاسم، *تاریخ تصوف در اسلام و تطورات و تحولات مختلفه آن از صدر اسلام تا عصر حافظ*، تهران: انتشارات زوار، ۱۳۷۵.
۱۹. قریب، بدرالزمان، «سخنی درباره منوهد روشن (بهمن روشن)»، *نامه فرهنگستان*، شماره ۸، ۱۳۷۵، صص ۶ تا ۱۶.
۲۰. کلیم کایت، هانس یوخایم، *هنر مانوی*، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران: نشر اسطوره، ۱۳۹۶.
۲۱. ناس، جان بایر، *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه علی اصغر حکمت، چاپ بیستم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۰.
۲۲. نفیسی، سعید، *سرچشمه تصوف در ایران*، به اهتمام عبدالکریم جریزه دار، تهران: اساطیر، ۱۳۸۳.
۲۳. ویدن گرن، گئو، *مانی و تعلیمات او*، ترجمه نزهت صفای اصفهانی، چاپ پرچم، (بی تا).
۲۴. هالروید، استوارت، *ادبیات گنوسی*، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران: اسطوره، ۱۳۸۷.
۲۵. هامبی، لویی و مونزه دوویلار، *گئو ویدن گرن، هنر مانوی و زردشتی*، ترجمه و تدوین یعقوب آژند، تهران: مولی، ۱۳۸۹.
26. Gulácsi, Zsuzsanna. *Mediaeval Manichaeian Book Art, A Codicological Study of Iranian and Turkic Illuminated Book Fragments from 8th – 11th Century East Central Asia*, Leiden, Boston: BRILL, 2005.
27. Hanegraaff, Wouter J. *Dictionary of Gnosis & Western Esotericism*, Leiden: BRILL, 2006.
28. Jonas, Hans. *The Gnostic religion: The message of the Alien God and the Beginnings of Christianity*. 3rd ed. Boston: Beacon Press, 2001.
29. Quispel, Gilles. "Hermes Trismegistus and the Origins of Gnosticism", *Vigiliae Christianae*, BRILL, Vol. 46, No. 1 (Mar., 1992), pp. 1-19,